

## چیستی آرمان‌شهر شیعی در آرای ملامصدرا و آیت الله جوادی آملی

سمیرا محمودی<sup>۱\*</sup> (نویسنده مسئول)، بهمن احمدی<sup>۲</sup>، نازنین محمدی<sup>۳</sup>، مهرداد رحمانی<sup>۴</sup>، مهدی برنافر<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گیلان

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه تهران

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه تهران

<sup>۵</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۰)

### چکیده

آرمان‌شهر شیعی یکی از موضوعاتی است که هم در دوران گذشته و هم در سده اخیر در مقابل برخی ایدئولوژی‌های رایج در جهان مطرح شده است. با توجه به غالب بودن مذهب تشیع در جامعه ایرانی، وجود تصویری روشن از آرمان‌شهر شیعی نقطه اتکای مناسبی برای سیاستگذاری اجتماعی و شهری خواهد بود. در این میان طیف متنوعی از اندیشه‌مندان شیعی در خصوص آرمان‌شهر شیعی نظرات متنوعی را ارائه داده‌اند که به دو گروه عمده نواندیشان دینی و سنت‌گرایان دینی قابل تفکیک می‌باشند. به نظر می‌رسد تلاش برای تبیین طیف‌های مختلف و در نهایت تلاش برای ایجاد وفاق میان آن‌ها می‌تواند ادای سهم قابل توجهی به موضوع آرمان‌شهر شیعی باشد. در این راستا، در مقاله حاضر با مبنا قرار دادن رویکرد سنت‌گرایانه به دین سعی کرده تا با تکیه بر دیدگاه‌های دو تن از بزرگان تشیع، ملامصدرا و آیت الله جوادی آملی آرمان‌شهر مطلوب شیعی با رویکرد در زمانی تبیین گردد. دو هدف اصلی مقاله حاضر، تبیین چیستی آرمان‌شهر شیعی در نگاه سنت‌گرایانه به دین و هم‌چنین فهم این نکته است که نسبت آرمان‌شهر شیعی با تغییرات زمان و مکان چیست. نتایج حاصله نشان می‌دهند که در آرای هر دو این بزرگواران آرمان‌شهر مطلوب وسیله‌ای برای تقرب به خداوند و خلیفه الهی انسان بر زمین محسوب می‌شود که تحت رهبری امام و در نبود وی ولی فقیه قابل تحقق است. با این حال دیدگاه ملامصدرا بر اصالت جامعه مبتنی است در حالیکه آیت الله جوادی آملی اصالت فرد را مبنا قرار می‌دهد، که این تفاوت را می‌توان ناشی از تأثیر پذیری از شرایط زمانه و تقابل فلسفه در برابر عرفان بر شمرد. با موشکافی در نظرات بزرگواران پیداست که آرمان‌شهر شیعی فارغ از ابعاد زمانی و مکانی بوده و در بعد وجودی مطرح می‌گردد؛ بنابراین می‌توان گفت در آرمان‌شهر شیعی، ویژگی‌های کالبدی به شرایط زمینه‌ای و زمانه‌ای تحویل می‌گردد.

واژگان کلیدی: آرمان‌شهر، شیعه، ملامصدرا، آیت الله جوادی آملی.

\* E-Mail: smahmoodi@guilan.ac.ir

## مقدمه

توصیف آرمان‌شهر و جامعه برین و برتر از جوامع موجود، از دیرباز دغدغه اندیشه‌مندان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بوده است. برخی از ایشان سعی کرده‌اند با توصیف ویژگی انسانی و روابط اجتماعی، آرمان‌شهر برین را توصیف کنند و برخی نیز با توصیف جنبه‌های مادی و کالبدی در این مسیر کوشیده‌اند. گرچه برخی نظریه‌پردازان توصیف جامعه آرمانی را مترادف با خیال‌بافی و توهم می‌دانند اما بسیاری بر این باورند که با توصیف جامعه آرمانی می‌توان محکمی برای سنجش وضع موجود به دست داد. تفکر آرمان‌شهری با رد نقض‌های مستتر در وضع موجود و مطرح کردن الگو می‌تواند فراهم‌کننده زمینه مناسبی برای نقادی وضع موجود باشد.

از سوی دیگر، موضوع زمینه‌محوری در بطن آرمان‌شهر نهفته است و الگوی آرمان‌شهری متناسب با زمینه فرهنگ‌ها و معمولاً در نقد وضع موجود و به جهت گذار از آن شکل می‌گیرد. در کشور ما نیز از دیرباز تفکر آرمان‌شهری ریشه‌دار بوده است. از دوران اساطیری تا دوران کیانی و بعد از آن دوران اسلامی، همواره آرمان‌شهرهایی طرح شده که واضعان آن، اندیشه‌مندان بزرگی بوده‌اند که سودای عبور از وضع موجود به وضعیت آرمانی را در سر می‌پرورانده‌اند. یکی از مهم‌ترین آرمان‌شهرهای ریشه‌دار ایرانی در این خصوص آرمان‌شهر اسلامی و به طور مشخص آرمان‌شهر شیعی است. ایران به عنوان یک کشور مسلمان‌نشین و با حکومت اسلامی شیعی رؤیای تحقق یک جامعه آرمانی شیعی را در سر می‌پروراند. این رؤیا همواره در بطن تاریخ ایرانی-شیعی ما حضور داشته و توسط بزرگان اندیشه بازتعریف شده است. حال که امروزه نیت و اراده حرکت به سمت جامعه آرمانی شیعی به شکل حرکت از بالا و پایین در جامعه وجود دارد، به نظر می‌رسد تبیین درست این مفهوم و بیرون کشیدن آن از اندیشه‌های واضعان آن ضروری محسوب می‌شود. البته باید توجه داشت که آرمان‌شهر همواره سویی نقادانه‌اش به طرف وضعیت موجود است؛ از همین روست که آرمان‌شهر شیعی نه فقط بر مبنای متون که باید بر مبنای وضعیت موجود نیز باشد تا مفهوم آرمان‌شهری آن حفظ شود و علاوه بر شناخت و توصیف ویژگی‌های جامعه آرمانی از منظر اسلام و اندیشه‌مندان مسلمان، بتواند زمینه‌ساز بهبود شرایط اجتماعی کشور باشد. در تحقیق حاضر، بخش اول موضوع یاد شده یعنی استخراج اندیشه آرمان‌شهری از متون اندیشه‌مندان شیعی مراد است.

از آنجا که فرهنگ شیعی به طور خاص بر وجهه اسلامی ایران مسلط شده است، این پرسش مطرح خواهد شد که ارکان و ویژگی‌های اساسی آرمان‌شهر شیعی چیست؟ در ابتدا باید توجه داشت که برای دست‌یابی به آرمان‌شهر می‌توان موضوع را از دو طریق پی گرفت: اولی رجوع به منابع مستقیم مانند قرآن و

حدیث، و دومی رجوع به آرای محققان حوزه علوم دینی، مفسران و فلاسفه. در این تحقیق استفاده از روش دوم مد نظر است. در این میان اندیشه‌مندان متعددی سعی کرده‌اند تا آرمان‌شهر یا جامعه آرمانی مطلوب شیعی را به طور مستقیم یا غیر مستقیم توصیف کنند. برای انتخاب افراد مناسب چند راه وجود دارد: اول، بررسی سیر اندیشه فلاسفه در طول تاریخ که وقت گیر و طولانی است. دوم، گزینش افراد صاحب‌نظر و بررسی آرای ایشان، که باید افرادی که بیش‌ترین نقش و وزن را داشته‌اند مد نظر قرار داد. در تحقیق حاضر از این بین به دو تن از بزرگان شیعه یکی در دوره صفوی، ملاصدرا و دیگری در عصر معاصر، آیت‌الله جوادی آملی اشاره شده است. ملاصدرا از فلاسفه شیعی محسوب می‌شود که جمع‌بندی قابل تأملی از مجموع آرای فلسفی پیش از خود ارائه داد و سیطره وی بر فلسفه اسلامی از چهار قرن پیش تاکنون حفظ شده است. آیت‌الله جوادی آملی نیز به عنوان یکی از فیلسوفان شیعی دوره معاصر صاحب آثار، نوشته‌ها و نظریه‌های بسیاری است که بر ابعاد مختلف فلسفه و سیاست دوره معاصر تأثیرگذار بوده است. چنین به نظر می‌رسد که با شناخت و مقایسه آرای این دو متفکر بزرگ بتوان به یک جمع‌بندی کلی درباره آرمان‌شهر مطلوب شیعی دست یافت. به این ترتیب پرسش تحقیق این خواهد بود که ارکان و ویژگی‌های جامعه آرمانی شیعی در نظریه‌های این دو اندیشه‌مند چیست؟ در ضمن پاسخ به این پرسش، محققان در پی پاسخگویی به سؤال دیگری نیز هستند که آیا ارکان و ویژگی‌های جامعه آرمانی شیعی در گذشت زمان ثابت مانده یا تغییر کرده است؟

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای و به لحاظ ماهیتی بر اساس روش مقایسه تطبیقی با اتکا بر مطالعات اسنادی است. برای تحلیل افکار آیت‌الله جوادی آملی از منابع دسته اول هم چون کتاب‌های ایشان، مقاله‌های تألیفی و پاسخ ایشان به سؤالات پرسشنامه‌ای باز استفاده شد. شایان‌گفتن است که سؤالات پرسشنامه در موضوع ویژگی‌های مختلف آرمان‌شهر از دیدگاه ایشان بود که از نتایج آن برای تقویت یافته‌های اسنادی استفاده شده است. برای تحلیل افکار ملاصدرا، با توجه به عدم آشنایی کافی محققان به زبان عربی، استفاده از منابع دسته دوم مانند کتب ترجمه‌شده و مقاله‌های علمی معتبر در دستور کار قرار گرفت.

## مباحث نظری پژوهش

موضوع آرمان‌شهر و یا به تعبیری بهشتی زمینی که در فضای آن بشر بتواند به تمامی خواسته‌ها و آرزوهایش دست یابد، همواره موضوع بحث اندیشه‌مندان بوده است و هر یک از مکاتب فکری و فلسفی جهان همواره در ارائه تصویری از شهری آرمانی - که در

در طول دوره‌های تاریخی مختلف اندیشه‌مندان اسلامی با استمداد از علوم دینی و نیز فلسفه سعی کرده‌اند به توصیف آرمان‌شهر مطلوب اسلام و تفسیر ویژگی‌های آن بپردازند. در میان آنان، ابونصر فارابی اولین متفکری است که با الهام از افلاطون، شالوده‌اندیشه آرمانی را پایه‌ریزی کرد. آنان که در قلمرو فلسفه درباره بهترین جامعه به بحث پرداختند، پیرو وی بوده‌اند. فارابی هدف و شهر آرمانی را رسیدن به سعادت می‌داند. سعادت مورد نظر فارابی تنها، سعادت این جهانی نیست، بلکه سعادت است که هم زندگانی این جهانی آدمی را به وجه دلخواه تأمین کند و هم رستگاری او را در جهانی دیگر تحقق بخشد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۱). علامه طباطبایی با اشاره به عبارت «امت وسط» در قرآن، امت اسلامی را امت وسط می‌داند؛ امتی که در صراط مستقیم در حرکت است. مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مطلوب را در اندیشه وی می‌توان ادب، معاشرت و برخورد‌های هدفدار، اعراض از لغو و بیهودگی، اخوت و برادری، اصلاح ذات‌البین و وفای به عهد و ادای امانت دانست (سلطانی رنای، ۱۳۸۶: ۳۶). شهید مطهری همانند اکثر آرمان‌گرایان به مفهوم عدالت توجه می‌کند و مکتب اسلام را حامی عدالت می‌داند. به نظر ایشان هرگاه توده ملت به حقوق حکومت، وفادار باشند و حکومت حقوق مردم را ادا نماید، آن وقت است که نشانه‌های عدالت ظهور می‌کند (علی وحیدی، ۱۳۸۲). در دهه اخیر نیز صاحب‌نظران متعددی به تبیین ماهیت شهر اسلامی پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به نظریه فضای حیات طیبه توسط دکتر نقی زاده اشاره کرد. بر اساس این نظریه، شهر اسلامی بر مبنای اصول جهان‌بینی توحیدی و عدالت پایه‌گذاری شده و دارای سه رکن فضای فکری یا ایمان اهل شهر، فضای عمل و رفتار اسلامی (مقررات، قوانین و اصول اخلاقی اسلام) و فضای عینی یا کالبد شهر است. کالبد شهر توسط انسان (فضای فکری) و بر اساس فضای عمل و رفتار اسلامی که تبیین‌کننده ارتباط انسان با جهان خارج است، شکل می‌گیرد و تحقق آن در عالم خارج بسته به شرایط زمان و مکان، شرایط فرهنگی و تاریخی و امکانات در دسترس، تجلیات متفاوتی خواهد داشت. وی خاطر نشان می‌کند که شهر اسلامی، به اندازه‌ای اسلامی است (و به الگوی حقیقی و مثالی شهر اصیل و آرمانی اسلام نزدیک‌تر است) که بتواند جلوه‌گاه مبانی و ارزش‌هایی باشد که کلام الهی برای جامعه اسلامی و الهی تعریف کرده است (نقی زاده، ۱۳۹۵).

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان گفت که در شهر آرمانی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی، اصل توحید و خدا محوری، رکن اساسی است و خصلت اصلی شهر دینی، ایمان به این اصل و پذیرش الزامات ناشی از آن است (بیات، ۱۳۹۳). شاکله اصلی چنین آرمان‌شهری انسان سعادت‌مند است؛ انسانی که محور و مرکز آفرینش است و قابلیت سیر تا بی‌نهایت دارد. در رویکرد به آرمان‌شهر، تشییع به طور خاص دارای جهت‌گیری مخصوص

آن تمامی ایده‌آل‌های آن مکتب به ظهور می‌رسند- کوشیده‌اند (علی آبادی، ۱۳۸۲). آرمان‌شهرها نوعی چارچوب و قالب اندیشیدن درباره مسائل حل‌نشده زندگی‌اند و از آرمان‌ها و اجتماعاتی سخن می‌گویند که بشر برای دست‌یابی به آنها در تلاش است. ایده شهر آرمانی گاه به صورت رساله، گاهی به شکل اعتراض و گاه به صورت طرحی آرمانی برای زندگی، ارائه شده است (مطلبی و نادری، ۱۳۸۸: ۱۲۹). طرح مسأله آرمان‌شهر همواره زمینه مناسبی برای شکل‌گیری بحث‌های مخالف و موافق بوده است. برخی آن را فانوس امید به آینده می‌دانند، بعضی آن را فرزند افراط و شریک نظام توتالیتر می‌خوانند و برخی دیگر می‌گویند گرچه آرمان‌شهرها احتمالاً جامعه عمل نخواهند پوشید، انگیزه‌ای برای پژوهش‌های ثمربخش و بستر مناسبی برای بیان اندیشه‌ها و برانگیختن الهام‌ها به نحوی است که بتواند در جهان واقعی تأثیر گذارد باشد (میرمحمدی، ۱۳۹۳).

گرچه می‌توان ویژگی‌های زیادی برای آرمان‌شهرها برشمرد، ولی به طور کلی می‌توان ویژگی‌های عمومی زیر را برای آرمان‌شهرها عنوان کرد:

- تأثیرپذیری از اوضاع و احوال اجتماعی جامعه موجود،
- انزوای آرمان‌شهر به منظور عدم تأثیرپذیری منفی از سایر جوامع غیر آرمانی،
- ایستایی جامعه بدان معنا که آرمان‌شهر نقطه پایان پوشش تاریخ است،
- برابری میان انسان‌ها به عنوان اصلی عمده به شمار می‌رود،
- هماهنگی، که حتی بر اندیشه برابری نیز پیشی می‌گیرد (اصیل، ۱۳۸۱: ۲۸-۳۶).

آرمان‌شهرها بازتاب شرایط عینی جامعه‌اند؛ طراح آرمان‌شهر که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خویش یا از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی را با تصورات ذهنی و آرمان‌های مجرد خویش ناساز می‌یابد، می‌کوشد با طرحی آرمانی، وضع موجود را نفی و ارزش‌های آن را انکار کند. در این صورت، آرمان‌شهر تنها وسیله گذار از عینیت به ذهنیت و پناه بردن به تخیل صرف نیست، بلکه بازآفرینی ذهنی جامعه است به قصد انتقاد از نظام مستقر و محکی است برای سنجش وضع موجود و آشکار ساختن نارسایی‌ها و ناروایی‌هایش.

دین اسلام، به سبب رویکردهای خاص توحیدنگر و ویژگی‌های خاص خود، صفات و ویژگی‌های مشخصی را برای آرمان‌شهر مطلوب خود خواهان است. تفکر و تعالیم اسلامی به عنوان الگویی کامل نمی‌توانسته نسبت به روابط اجتماعی انسان، ارتباط انسان با محیط و نیز نسبت به چگونگی فعالیت‌ها و فضاهای فردی و جمعی بی تفاوت بماند و اگر نه به صورت مستقیم، دستوراتش به عنوان برنامه زندگی برای انسان بر معماری، شهر و محیط زندگی مسلمانان تأثیرگذار بوده است (امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۱).

به خود است. راه کارهای شیعه برای رسیدن به آرمان شهر علاوه بر توحید و معاد، منبعث از سه پایگاه دیگر بعثت (نبوت)، غدیر (ولایت) و ظهور (مهدویت) است و انسان برای رسیدن به این آرمان شهر به قانون الهی (وحی) و تفسیر معصومانه (غدیر) و مدیریت معصومانه (ظهور) نیاز دارد. این آرمان شهر بیش از آنکه بر ابعاد کالبدی و مادی متکی باشد بر ابعاد معنوی و روحانی جامعه انسانی نظر دارد و آن را اصل مسلم در ظهور جامعه آرمانی می داند. متفکرین بسیاری در طول تاریخ شیعه سعی به توصیف و تفسیر این آرمان شهر کرده اند و برخی نیز مظاهری از آن را به دست داده اند (نظیر زاهره و جزیره خضرا). لذا بازشناسی اصول آرمان شهر مطلوب اسلامی (شیعی) می تواند راه گشای مباحث آرمان شهری و مطابق آنچه ملاکی برای سنجش شهر آرمانی و جامعه مطلوب قلمداد شود.

از آن جایی که در آرمان شهرها جنبه های اساسی جامعه برین نظیر هدف آن، وضعیت انسان، روابط اقتصادی، سیاست و رهبری، روابط اجتماعی، قوانین مسلط بر جامعه و برخی جنبه های کالبدی و مادی و نحوه تحقق پذیری آن توصیف و تبیین شده اند، مبنای این مقایسه تطبیقی نیز بر این اساس پایه گذاری شده است.

## یافته های پژوهش

### تحلیل اندیشه های ملاصدرا و آیت الله جوادی آملی پیرامون آرمان شهر شیعی

#### الف) هدف آرمان شهر

به باور ملاصدرا هدف از تشکیل مدینه فاضله، رسیدن به خداست و سعادت نهایی بشر نیز در تقرب الهی و رسیدن به خداوند است. انسان در این وادی نیاز به فلسفه و علوم عقلی یا حکمت دارد (جوادی آملی، ۱۳۶۳: ۶۴۲). آیت الله جوادی آملی در پاسخ به پرسش نویسندگان مقاله در ارتباط با هدف از تشکیل نظام اسلامی، اولین هدف نظام اسلامی را ساختن مدینه فاضله می داند و مدینه فاضله را تربیت انسان های سالم و فاضل برای رسیدن به قرب الهی قلمداد می نماید. ایشان معتقدند که مدینه فاضله گرچه شرایط و ارکان بی شماری دارد ولی نخستین رکن و نخستین شرط و مهم ترین اصل، انسان های آزاد و آزاده اند؛ انسان هایی که در سایه تهذیب اخلاق آزاد می شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۷۶). آیت الله جوادی آملی بر خلاف اکثر آرمان شهرگرایان که تحقق عدالت، برابری و آزادی را از جمله اهداف اصلی آرمان شهر خود معرفی می نمایند، قسط و عدل را هدف فرعی یا متوسط حکومت اسلامی می داند. و بیان می کنند که رعایت حقوق فرد و جامعه و تأمین همه مظاهر تمدن، از فروعیات خلیفه الهی شدن افراد آن جامعه (آرمانی) است. از نظر ایشان تجلی گاه اهداف نهایی (خلیفه الله) و اهداف میانی (عدالت در جامعه) مدینه فاضله ای است که افراد جامعه به یمن تمسک به دین، آن را ایجاد می کنند و از وجودش بهره می برند (پیشین: ۲۶).

با کمی تأمل می توان دریافت که هدف نهایی از تشکیل مدینه فاضله در نزد هر دو متفکر هدایت و سلوک انسان به مقام خلیفه الهی و تقرب خداوند است. با این حال، نحوه دست یابی و تحقق هدف اصیل آرمان شهر در نزد دو متفکر متفاوت است؛ ملاصدرا از وادی فلسفه و آیت الله جوادی آملی از وادی عرفان به موضوع می نگرد.

#### ب) انسان در آرمان شهر

مفهوم شهروند در تفکر اسلامی در قالب فرد مؤمن مطرح می شود. در خصوص شهروندان (انسان مؤمن) دو متفکر تأکید خاص خود را مطرح می کنند؛ با این حال، در مدینه فاضله هر دو، تقرب به خداوند اصل لایتغیر است. ملاصدرا بر مفهوم مسافر بودن انسان در این جهان تأکید می کند و معتقد است که فرد صرفاً در زیر سایه مرشد کامل قابلیت رشد و سلوک می یابد و مرشد کامل افضل بر سایر افراد است (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۴۹۲-۴۹۰). بر اساس نتایج پرسشنامه و از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، «انسان یک عنصر اصیل محسوب می شود که قابلیت سیر تا بی نهایت و رسیدن به مقام خلیفه الهی را داراست. انسانی نخبه است که از مواهب طبیعی و مواهب الهی صحیح بهره برداری نماید و سعی کند بار دیگران را هم از دوش آنها بردارد و کل زمین را با فرهنگ دینی آباد کند». ایشان معتقدند که انسان مدینه فاضله است و خداوند متعال هر چه را که در یک کشور عقل و عدل باید وجود داشته باشد را در درون انسان قرار داده است. فقط کافی است انسان به درون خویش سر بزند و خدا را نیز از همین طریق بشناسد. از این رو انسانی که مدینه فاضله درون خود را شناخت به بیراهه نخواهد رفت (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۷۵).

با تأمل به نظرات این دو اندیشه مند، می توان نظرات بیان شده را در قالب دو سویه فکری متفاوت که از فلسفه و عرفان نشأت گرفته اند، جستجو کرد. در دیدگاه فلسفی ملاصدرا، انسان از طریق یادگیری و آموزش زیر نظر مرشد کامل به تقرب خداوند نائل می شود و از دیدگاه عرفانی آیت الله جوادی آملی، طریقه پیمودن و رسیدن به مقام خلیفه الهی به صورت بالقوه در درون انسان قرار دارد و وی از طریق خودشناسی به آن دست می یابد.

#### ج) جامعه و روابط اجتماعی در آرمان شهر

ملاصدرا بر اساس تفکرات افلاطون و فارابی معتقد است که جامعه مانند بدن انسان است. همان گونه که هر عضو برای کار خاصی ساخته شده است و اعضای بدن در یک درجه از اهمیت قرار ندارند، اعضای جامعه نیز هر کدام برای کاری ساخته شده اند و اهمیت شان یک سطح نیست. از نظر ملاصدرا جامعه سالم و الگو، جامعه ای است که در آن هر کسی مانند اعضای بدن کار مخصوص خود را انجام دهد و در کار دیگران دخالت نکند که این امر با تمرین و ممارست به دست می آید (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۴۹۲-۴۹۰).

قانون مقدم بر جامعه است؛ زیرا از سوی خداوند سبحان و برای تأمین سعادت جامعه نازل شده است و بر همین اساس خداوند اولین انسان یعنی حضرت آدم را فردی با قانون و دارای نبوت آفرید تا هیچ گاه هیچ بشری بدون قانون سعادت بخش نباشد. ایشان در چرایی نیاز به قوانین الهی و دینی در برابر قوانین منطقی و عقلی بیان می کنند که عقل برای هدایت و تأمین سعادت انسان کافی نیست، بلکه عقل در جهت رشد و شناخت برخی از واقعیات نیاز به دین دارد؛ زیرا عقل در شناخت برخی از مسائل عاجز است و در تشخیص حق و باطل دچار مشکل می شود. دین است که عقل را در تفسیر زندگی، شناخت جهان و شناخت مبدأ و معاد کمک می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۷۵).

بر اساس یافته های حاصل از پرسشنامه، در جامعه آرمانی ایشان در کنار و فراتر از قانون، اخلاق حکمفرماست؛ زیرا قانون تنها روابط اجتماعی میان مردم را تأمین می کند، اما اخلاق هم روابط اجتماعی ما را تکمیل و هم ضعف قانون را ترمیم می کند. از نظر ایشان قانون گذار واقعی خداست و خدا از طریق وی و نزول قرآن، قوانینی را برای انسان ها تعیین نموده است. علاوه بر این، ایشان از عقل جمعی نیز به عنوان منبع دیگر قانون گذاری (تفسیر قوانین خداوندی برای زمان حال) یاد می کنند؛ البته عقلی که وابسته به فطرت انسان و تداعی کننده خلیفه الهی بودن انسان باشد.

همانطور که اشاره شد هر دو اندیشه مند معتقدند که قانون مقدم بر جامعه است و باید بر اساس شرع باشد؛ اما آیت الله جوادی آملی در کنار قانون خداوندی به اخلاق و عقل جمعی انسان های متعالی در تفسیر قوانین الهی اشاره دارد. در واقع، آیت الله جوادی آملی برای کارایی بهتر قانون در زمان کنونی، ابزارهای دیگری را نیز معرفی می کند.

#### هـ) سیاست و رهبری آرمان شهر

به باور ملامصدرا قانون خوب به تنهایی کافی نیست و باید در کنار قانون خوب، دستگاه خوب اجرایی نیز وجود داشته باشد. از نظر وی، کسی شایستگی حکومت دارد که جامع هر سه عالم ماده، مثال و عقل باشد. پس مجری خوب از نظر ملامصدرا، نبی و امام یا فقیه است؛ کسی که این سه قوه را در خود به فعلیت رسانده باشد حاکم و خلیفه است. از نظر وی کسی که این سه خصلت را داراست، نبی است و در نبود نبی، وظیفه حکومت بر عهده امام معصوم است. با این حال حکومت امام هیچ تفاوتی با حکومت نبی ندارد. در واقع ملامصدرا از وحدت ماهوی سه مفهوم نبی، امام و ولی سخن می گوید و تنها تفاوت را در انقطاع وحی می داند. (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۳۷۷). از بعد نظری، ملامصدرا مدعی است امامت لطف است، بنابراین بر خدا واجب است امام را تعیین کند و امکان ندارد زمین از حجت خدا خالی بماند؛ چرا که اگر امام نباشد، جهان فرو می باشد. بر اساس نظریه وی، در صورت نبود امام در جامعه باید به فقیه مراجعه کرد. البته ملامصدرا با فقیه

جامعه مد نظر آیت الله جوادی آملی، جامعه ای است الهی مبتنی بر جهان بینی الهی. افراد آن جامعه معتقدند که جهان و انسان را خدا آفریده و انسان، سرگذشت فراوانی داشته است و عوالمی را در پیش رو دارد و هرگز با مرگ از بین نمی رود و چگونگی حیات و زندگی جاوید او در آینده، بستگی تام به حیات دنیایی و چگونگی رفتار و اخلاق و عقاید او در این دنیا دارد (عبدیابی، ۱۳۸۸: ۴۱). ایشان با تشبیه جامعه آرمانی به بدن انسان، مقام خلیفه الهی را هم چون باطن و روح جامعه و مدینه فاضله فیزیکی ایجادشده را ظاهر قضیه می داند و به بدن تشبیه می کند. «همان گونه که نظام داخلی انسان را روح و جسم او می سازد، ولی اصالت از آن روح است و بدن پیرو روح می باشد .... تأمین مدینه فاضله نیز برای پرورش انسان هایی است که در جهت خلیفه الله گشتن گام برمی دارند و اصالت در بین دو رکن یاد شده، همانا از آن خلافت الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳). ایشان در پاسخ به پرسش مطرح شده در ارتباط با نحوه دست یابی به توسعه اجتماعی، با مطرح کردن بحث «انسان متعالی» معتقدند که از توسعه فردی یا انسانی می توان به توسعه اجتماعی رسید. با کمی تأمل می توان دریافت که ملامصدرا توسعه فرد را در اجتماع مد نظر قرار داده، ولی آیت الله جوادی آملی توسعه فردی را لازمه توسعه اجتماعی دانسته است.

#### د) قانون آرمان شهر

ملاصدرا استدلال خود را مبنی بر ضرورت آرمان شهر از اینجا شروع می کند که انسان مدنی بالطبع است و از این رو باید در جامعه زندگی کند. زندگی کردن در جامعه، گذشته از فوایدی که دارد، مشکلات خاص خود را به همراه دارد. بدین سان انسان نیاز به قانون و قانون گذار دارد. وی بیان می کند که انسان خودخواه است و صرفاً به منافع خویش می اندیشد و از طرفی تخصص های لازم را برای قانون گذاری و رسیدن به سعادت ندارد؛ در نتیجه جامعه آرمانی اولاً باید قانون داشته باشد و ثانیاً این قانون باید الهی باشد (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۵۷). وی معتقد است که مردم نمی توانند واضح قانون باشند و یا قانون گذار را انتخاب کنند (تخصص این کار در اختیار شهروندان نیست)، و فقط خداوند از این حق برخوردار است و دیگران باید مطیع باشند «نظام العام لایستغنی عن من یعرفهم موجب صلاح دنیا و الاخره» (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۴۸۸).

آیت الله جوادی آملی در کتاب انتظار بشر از دین به لزوم وجود قوانین دینی و الهی در اجتماع توجه می کند. وی با تأکید به اینکه انسان ها فطرتاً موجوداتی اجتماعی هستند، اجتماع بدون قانون را اجتماعی معرفی می کند که در آن خودخواهی انسان ها باعث تنازع و ایجاد هرج و مرج می شود. از این رو، بشر نیازمند سنت و قانونی است که تمامی افراد در مقابل آن تسلیم باشند و در پرتو اجرای آن، نظم و امنیت در جامعه برقرار شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۵۰). در جامعه مد نظر وی، برخلاف نظام های غیر خدایی،

دنیازده‌ای که چند مسأله شرعی بلد است و با استفاده از آن به دنیاطلبی همت می‌گمارد، مشکل دارد؛ اما با کسی که اهل ورع و پارسایی باشد و گستره دانش او شامل اعتقادات نیز باشد، مشکلی ندارد و بلکه مراجعه به او را لازم می‌داند (منبع پیشین، ۵۰۲).

از دیدگاه جوادی آملی انسان وقتی نیکو شود، می‌تواند به مقام خلیفه الهی برسد و شایسته حکمروایی شود. ایشان حضرت ولی عصر (عج) را نمونه انسان کامل و متعالی در جامعه می‌دانند. از نظر ایشان، انگیزه نهایی بعثت پیامبران، پیروزی دین خدا بر همه مکتب‌های باطل و منسوخ است و مهم‌ترین عامل تحقق آن نیز رهبری انسان‌های معصوم و به ویژه حضرت ولی عصر به عنوان انسان کامل است که رهبری مدینه فاضله را بر عهده دارد. ایشان خاطر نشان می‌کنند که نظام مبتنی بر ولایت عام امام عصر (عج)، چشم انداز نظام و مدینه فاضله مهدوی را در پیشرفت و تکامل و زمینه‌سازی ظهور هدایت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹۴). به باور ایشان، رهبر با دو رسالت مهم و محوری، مدینه فاضله را تشکیل می‌دهد و تکامل آن را مشاهده می‌کند؛ یکی، رسالت حراست از وحی و اقامه معارف آن و دیگری، رسالت حراست از سلامت عقل و بصیرت انسان (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۶). بر این اساس، در مدینه فاضله مهدوی، ولی فقیه به عنوان انسانی کامل، همه اختیارات پیامبر اکرم و امامان را در اداره جامعه داراست؛ زیرا او در غیبت امام عصر، متولی دین است و باید اسلام را در همه ابعاد و احکام گوناگون اجتماعی اش اجرا نماید. در نظام اسلامی، مشروعیت حکومت از سوی خداوند است و مردم، هیچ نقشی در مشروعیت بخشیدن به نظام اسلامی ندارند، اما تحقق و فعلیت نظام اسلامی مرهون حضور و مشارکت مردم است (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۵۹).

مطابق آن چه ذکر شد مشروعیت حکومت و نظام سیاسی مدینه فاضله در هر دو تفکر از آن خداست. ملاصدرا معتقد است که حکومت یا رهبری آرمان‌شهر به عهده نبی است و در صورت نبودن نبی، امام وظایف او را بر عهده خواهد داشت. وی معتقد است که در صورت نبود امام در جامعه باید به فقیه مراجعه کرد. آیت الله جوادی آملی نیز معتقد است که انسان کامل یا «انسان متعالی» شایسته حکومت بر مدینه فاضله و ادامه دادن راه انبیا و امامان است؛ ایشان انسان متعالی را در درجه اول حضرت ولی عصر (عج) و در صورت عدم حضور ایشان ولی فقیه معرفی کرده‌اند.

#### و) جایگاه مشارکت شهروندان در تحقق آرمان‌شهر

هر دو اندیشه‌مند بر مشارکت مردم برای تحقق مدینه فاضله تأکید دارند. از نظر ملاصدرا نقش شهروندان در پیشبرد جامعه آرمانی، مشارکت و همکاری در شکل دهی و استمرار آرمان‌شهر در جهت تحقق قوانین الهی است (امیدی، ۱۳۸۹). آیت الله جوادی آملی نیز معتقدند که تحقق و فعلیت نظام اسلامی مرهون

حضور و مشارکت مردم است. ایشان خاطر نشان می‌کنند که در شهر آرمانی اسلامی، مردم به معنای واقعی در سرنوشت خود نقش دارند و مقدرات خود را با مشارکت سیاسی و اجتماعی رقم می‌زنند (جوادی آملی، ۱۳۹۳-الف: ۴۶۳). با این حال، دو اندیشه‌مند جزئیات دقیقی را درباره نحوه مشارکت شهروندان در تحقق آرمان‌شهر بیان نمی‌کنند.

#### ز) عدالت در آرمان‌شهر

صدرالدین شیرازی آنجا که از اجتماعی بودن انسان سخن می‌گوید و بر این نظر است که برای انتظام یافتن حیات انسان نیاز به تمدن و اجتماع و تعاون است، به نیازمندی از قانون سخن می‌گوید؛ اما آنچه موجبات جاری شدن قانون را در جامعه فراهم می‌سازد، همانا عدالت است. در واقع عدالت از آن رو که به ایجاد تعادل در جامعه منجر می‌شود، واقعیتی ضروری است که در نبود آن نمی‌توان به تمدن و تعاون و اجتماع رسید. عدالت وضعیتی را پدید می‌آورد که انسان‌ها در فضایی مناسب بتوانند ظرفیت‌های وجودی خویش را بروز و ظهور دهند و زمینه پیشرفت جامعه را با تعاون و اجتماع به وجود آورند. از نظر وی، یکی دیگر از مهم‌ترین ثمرات تحقق عدالت در جامعه، امنیت است. با این حال، باید توجه داشت که عدالت اجتماعی در اندیشه ملاصدرا نمی‌تواند به معنای مساوات اجتماعی باشد؛ چرا که در فلسفه نظری وی «قوه و فعل و اصل وجود استعداد در آدمی و تفاوت آنها در افراد انسانی»، یک ایده محوری به شمار می‌آید. بنابراین نظام عدالت اجتماعی آن نظامی است که در آن زمینه به فعلیت رسیدن همه استعدادها و افراد آن جامعه فراهم است (امامی جمعه و گنجور، ۱۳۹۲: ۷۰). بر این اساس ویژگی آرمان‌شهر صدرایی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات به افراد جامعه در جهت به فعلیت رساندن قوای نفس و استعدادها و وجودی خویش و نیل به سعادت و کمال نهایی (قرب الهی) است.

آیت الله جوادی آملی تحقق عدالت را در جامعه از اهداف میانی آرمان‌شهر می‌داند و معتقد است که عدالت به معنای توجه به شایستگی‌ها و ظرفیت‌های وجودی تمامی موجودات و تلاش برای بالفعل نمودن این ظرفیت‌های بالقوه است. ایشان خاطر نشان می‌کنند که عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی است و تا افراد جامعه عادل نباشند، عدالت در آن جامعه به طور کامل حاکم نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳-ب). بر این اساس، هر دو اندیشه‌مند تعریف تقریباً یکسانی از عدالت در شهر آرمانی دارند و تفاوت آنها در تقدم عدالت اجتماعی در تفکر ملاصدرا و عدالت فردی در تفکر آیت الله جوادی آملی است.

#### ز) اقتصاد در آرمان‌شهر

در زمینه اقتصادی دو اندیشه‌مند، برخلاف آرمان‌شهرهای غربی بر وجود معیشت یا فعالیت خاص در آرمان‌شهر خود تأکید ندارند. ملاصدرا با تأکید بر موضوع معاد، پرداختن به

## ط) ابعاد کالبدی و مادی آرمان شهر

ملاصدرا برای مدینه فاضله خود بحثی از فضا و مفهوم فیزیکی شهر ارائه نمی‌دهد. وی بیش از جنبه‌های مادی، بر مبانی فکری و فلسفی تأکید دارد و هنگامی که از آرمان شهر و یا مدینه فاضله سخن می‌گوید، مقصودش همان جامعه آرمانی است و اساساً در خصوص کالبد آرمانی و فرم صحبت نمی‌کند. به عبارت دیگر، صرف وجود جامعه آرمانی اسلامی، فارغ از مکان و موقعیت آن‌ها، آرمان شهر مطلوب ملاصدرا را شکل می‌دهد. در باور آیت الله جوادی آملی نیز «همانطور که اقلیم جغرافیایی، فتوای مجتهد و مرجع تقلید را شرعاً محدود نمی‌کند، قلمرو ولایت فقیه را نیز شرعاً تحدید نمی‌سازد. یک ولی فقیه، شرعاً می‌تواند همه جوامع اسلامی روی زمین را اداره کند، البته در صورتی که محدودیت خارجی وجود نداشته باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۰۲). از این رو در آرای ایشان پیرامون مدینه فاضله به ندرت سخنی از ابعاد مادی، کالبدی و ملموس مدینه فاضله یافت می‌شود. بر اساس نظرات ایشان، کالبد مدینه فاضله عرضی و ناپایدار است. «این مدینه فاضله، هر چند از تمدن والا برخوردار باشد، پس از مدتی ویران می‌گردد؛ ولی خلیفه الله که همان انسان کامل است، از گزند هر گونه زوال مصون است. بنابراین، کالبد مدینه فاضله ناپایدار و به منزله بدن است و انسان کامل، به مثابه روح آن و همان گونه بر اساس اصالت روح، بدن را روح سالم می‌سازد» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵). ایشان در مورد شکل بناها بیان می‌کند که در نگاه اسلام برای همه زمان‌ها و مکان‌ها شکل یکسان و خاصی برای تأسیس بناها معین نشده است؛ بلکه مناسب است بر اساس شرایط زمانی و مکانی و تأمین اهداف مورد نظر اسلام، بناها تأسیس شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۳-الف: ۵۱۲). بر این اساس می‌توان گفت که ایشان معماری و شهرسازی بومی و زمینه‌گرا با رعایت موازین اسلامی را مطلوب می‌دانند. در مورد تأمین اهداف مورد نظر اسلام در ساخت بناها نیز ایشان با تأکید بر رعایت موازین اسلامی در معماری منازل و عدم اشراف معتقدند که معماری اسلامی باید طوری باشد که انسان شرافت‌مندانه زندگی کند و شرافت‌مندانه هم از حریم خودش پاسداری کند یعنی نه اشراف داشته باشد و نه تحت اشراف باشد. هم‌چنین معتقدند با توجه به این که امنیت یکی از ویژگی‌های اصلی شهر اسلامی است، بناها باید دارای استحکام کافی باشند (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

در کل می‌توان گفت که هر دو اندیشه‌مند در پی تعریف مدینه فاضله خود به ابعاد کالبدی آن توجه چندانی نداشته‌اند؛ این امر را می‌توان در زمینه‌های فکری آنها و هم‌چنین نوع نگاه آنها به آرمان شهر به عنوان جامعه (نه شهر) آرمانی جستجو کرد. آنها کالبد را ظرفی می‌دانند که در بستر زمان و با توجه به مقتضیات آن، به منظور تأمین اهداف مورد نظر جامعه آرمانی و کمک به تعالی انسانی، شکل می‌گیرد.

امور دنیایی بدون توجه به معاد را موجب گمراهی انسان دانسته است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۴۸). در واقع می‌توان این گونه برداشت کرد که امور اقتصادی در مدینه صدرایی باید در جهت تقرّب به خداوند باشد. از نظر آیت الله جوادی آملی، جامعه اسلامی که الگوی مدینه فاضله را دارد، از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیز باید به سوی رشد و پیشرفت حرکت کند. از دیدگاه ایشان، توسعه اقتصادی به وضعیتی اطلاق می‌شود که امکانات مادی برای رشد و تعالی انسان فراهم آمده است. هم‌چنین، خاطر نشان می‌کنند که اسلام به عنوان دین همه جانبه در مورد توسعه اقتصادی حقایق را بیان کرده است و دولت اسلامی باید در جهت رساندن جامعه به توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی داشته باشد و از طریق کار و کوشش و تلاش و فعالیت، در این جهت گام بردارد (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۱۳). بر اساس یافته‌های حاصل از پرسشنامه، آیت الله جوادی آملی درباره جایگاه اقتصاد در آرمان شهر، به توسعه صنعتی و تعامل میان فعالیت‌های اقتصادی و مسائل محیط‌زیستی توجه داشته‌اند که می‌توان این امور را ناشی از نیازهای زمانه دانست.

## ح) نگاه به طبیعت در آرمان شهر

ملاصدرا با توجه به مبانی فلسفی خود، طبیعت را به این دلیل که از حیات و علم و قدرت و اوصاف وجودی دیگر بهره‌مند است و به این دلیل که خدای سبحان جهان هستی را بر اساس عنایت و حکمت و عدالت، احسن آفریده است و نیز همه موجودات، عاشق و مشتاق خدا آفریده شده‌اند و چون خدا عاشق آثار خود است، دارای ارزش ذاتی می‌داند. وی بیان می‌کند که اگر از انتفاع انسان از زمین و آنچه در زمین است سخن به میان آمده، نه برای ابزار انگاشتن زمین است، بلکه برای این است که انسان با در نظر گرفتن مصالح و ارزش طبیعت، مجاز است از آن برای تأمین نیازهای خود استفاده کند بدون آنکه تعادل زمین را بر هم بزند (مصطفی پور، ۱۳۹۱: ۱۲۸). آیت الله جوادی آملی نیز در آرمان شهر خود به حفظ محیط زیست توجه دارد و حتی توسعه و رونق فضای سبز و آبادانی را از وظایف کارگزاران پیشرفت صنعت یاد می‌کنند: «صنایع تجربی موظفند در راستای تأمین سعادت و سلامت همه بشر جهت گیری کنند؛ چنانکه مکلفند حقوق طبیعی هر موجود دیگر را اعم از دریا و آبزیان، جنگل و چهارپایان، هوا و پرندگان و استنشاق‌کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر را رعایت نمایند و هرگز به هلاکت نسل رضایت ندهند و از منابع نیز به گونه‌ای استفاده کنند که نیازهای نسل آتی نادیده گرفته نشود» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۹۵). آنچه مشخص است هر دو متفکر بر حفظ محیط زیست و عدم اختلال در تعادل آن تأکید دارند و می‌تواند معادل نظرات آنها را در باب محیط زیست مفاهیم امروزی توسعه پایدار جستجو کرد.

## ی) تحقق‌پذیری آرمان‌شهر

آرمان‌شهر صدراپی جامعه‌ای است که بر پایه اعتقادات و باورها بنا شده است. بنابراین هر کسی که نظام باورهای این شهر را صادقانه بپذیرد و عمل به آن را در دستور کار خود قرار دهد، عملاً تابعیت این جامعه را کسب کرده است و اموری مانند جغرافیا، نژاد، اقتصاد و امثالهم در آن دخالتی ندارند. هر کسی که مشمول تعریف انسان باشد، می‌تواند با لحاظ برخی شرایط عضو جامعه آرمانی ملاصدرا باشد (افضلی و لکزایی، ۱۳۹۲). آیت‌الله جوادی آملی بیان می‌کند که مدینه فاضله با تلاش به دست خواهد آمد و این گونه نیست که در جایی دوردست حاضر و آماده منتظر مردم باشد و برای دست‌یابی به این جزیره خضرا لازم نیست مردم فرسنگ‌ها راه پیمایند، بلکه باید سفری را از دور خود آغاز کنند. مدینه فاضله، انسان را مهذب می‌سازد و تهذیب جان انسان در پرتو تعالیم اخلاقی انبیا است (عبدیایی، ۱۳۸۸: ۳۳). ایشان در پاسخ به پرسش نحوه تحقق‌پذیری شهر آرمانی بیان داشته‌اند که شهر آرمانی نه در جزیره‌ای ناشناخته است و نه در سرزمینی دوردست؛ بلکه ریشه در درون انسان دارد و تهذیب، دروازه ورود به این آرمان‌شهر است. ساکنان آرمان‌شهر راهیان به سوی خداوند هستند که مدتی در این دنیا منزل گزیده‌اند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که آرمان‌شهر هر دو اندیشه‌مند قابل تحقق است و منوط به این است که انسان بخواهد و بپذیرد عضوی از آن باشد یا خیر و این انسان خواهان حرکت به سمت کمال باشد. با این حال نقطه شروع تحقق آرمان‌شهر در دیدگاه ملاصدرا در رهبری جامعه ولی از دید جوادی آملی در تک تک افراد جامعه است.

## ک) تاثیرپذیری از ویژگی‌های زمانه

ملاصدرا در دوران صفویه می‌زیست. دوران زندگی ملاصدرا مصادف با دوران تسلط اندیشه کلامی صفوی بود. تسلط این اندیشه و هم‌چنین فرمانبرداری و دنباله‌روی مردمان از جهل، خرافه و دوری‌گزیدن از اندیشه و تفکر، همواره روح ملا را می‌آزرد. حکایت کنایه‌ها، دشنام‌ها و غرض‌ورزی‌های علمای زمانه بخصوص علمای متصل به حکومت بسیار زیاد بود، به طوری که ملا را بر آن داشت تا از جامعه خود عبور کند و آرمانی را تصویر نماید که آرمان جامعه اسلامی است. وی در نهایت انزوا را برگزید و به دور از مردمان به تدوین بسیاری از آثار بزرگ فلسفی خود و هم‌چنین آرمان‌شهر خود پرداخت. نبود و ضعف اخلاق الهی و سودجویی‌ها و سوء استفاده‌های افراد، وی را بر آن داشت تا در آرمان‌شهر خود، قانون را امری ورای اراده انسان‌ها تعریف کند و آن را امری قدسی انگارد که تنها خدا می‌تواند آن را وضع نماید. این وضعیّت در مورد عقاید آیت‌الله جوادی آملی کمی متفاوت است. باید گفت که با گسترش تفکر مدرن، دیدگاه‌ها و آرمان‌های آن به جامعه اسلامی ایران نیز رسوخ کرده و آرمان‌هایی

را برای ایرانیان حتی به صورت ناخودآگاه ایجاد کرده است. در بطن این تفکر، فردگرایی عنصری قوی و محسوس است. در جامعه مدرن، فردیت موضوعی است که به شدت در مرکز توجه قرار می‌گیرد. این فردیت هم‌چنین در دوران صنعت و تولید انبوه زیر بار صنعت و سرمایه‌داری خرد می‌شود و کیفیت‌های فرهنگی آن تحت فشار خردکننده ساعات کار زیاد و مشکلات عصر صنعت قرار می‌گیرد؛ به طوری که زبمل، بنیامین و بسیاری اندیشه‌مندان دیگر، جامعه مدرن را به کوچاندن تحمیلی افراد به حیات ذهنی و از خود بیگانگی عاطفی متهم می‌نمایند (شوای، ۱۳۹۵). فردگرایی اساساً امری مدرن است و فرد در دوران مدرن زاده می‌شود و آیت‌الله جوادی آملی به درستی این امر را تشخیص داده و متناسب با جامعه فعلی، دیدگاه عرفانی خود و با استناد به رهنمودهای قرآن کریم، فرد را به خودسازی و تهذیب دعوت می‌کند. ایشان باور دارند که در چنین دوره‌ای فرد باید با تزکیه خویشتن مبنایی برای شکل‌گیری جامعه آرمانی فراهم سازد؛ به بیان دیگر، تشکیل جامعه آرمانی از خودسازی و تهذیب فردی (حرکت از پایین به بالا) آغاز می‌شود.

در بعد نظری، جوادی آملی معتقد است که ابتدای اکثر آرمان‌شهرهای غربی بر فلسفه غربی به عنوان فلسفه‌ای مبتنی بر جنبه‌های مادی و حسی است، در حالی که تکیه فلسفه اسلام بر استفاده از مادیات برای حصول به معنویات است؛ فلسفه‌ای که انسان را مسافری به سوی خداوند می‌داند و چند روزی را در قفس تن در دنیا به سر می‌برد. ایشان بحث عقلانیت دوران کنونی، مدرن و پست مدرن را به علت اینکه معرفت‌شناسی آنها از حوزه حس و تجربه بیرون می‌آید، ناقص و انسانیت انسان را به فراطبیعی بودن آن می‌داند. در آرای ایشان منظور از عقل، عقل به مفهوم مدرن آن نیست بلکه عقلی است که ناشی از مقام خلیفه‌اللهی است. ایشان با توجه به نقص عقل در شناخت کامل بیسان می‌کنند که عقل برای هدایت و تأمین سعادت انسان کافی نیست؛ بلکه عقل در جهت رشد و شناخت برخی از واقعیات به دین نیاز دارد، زیرا عقل در شناخت برخی از مسائل عاجز است و در تشخیص حق و باطل دچار مشکل می‌شود و دین است که عقل را در تفسیر زندگی، شناخت جهان و شناخت مبدأ و معاد کمک می‌کند.

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش دیدگاه‌های دو تن از بزرگان شیعه در خصوص ابعاد آرمان‌شهر مطلوب از نظر ایشان مورد بررسی قرار گرفت. ملاصدرا معتقد است که ابتدا باید اقدام به ساخت جامعه آرمانی کرد و سپس تمام افراد درون آن به صورت فرد فرد اصلاح می‌شوند. در حالیکه آیت‌الله جوادی آملی اعتقاد دارند که ساختن آرمان‌شهر با ساختن فرد و خودسازی آغاز می‌شود. شاید بتوان در توضیح این تناقض گفت که ملاصدرا زاده عصری است



جدول شماره ۱: مقایسه ویژگی‌های آرمان‌شهر شیعی از دیدگاه ملاصدرا و آیت‌الله جوادی آملی

ابعاد	اشتراکات	تمایزات	
		ملاصدرا	جوادی آملی
ماهیت آرمان‌شهر	آرمان‌شهری الهی و دینی	نگاه به آرمان‌شهر از دیدگاه فلسفه	نگاه به آرمان‌شهر از دیدگاه عرفان
هدف آرمان‌شهر	هدف اساسی آرمان‌شهر قرب الی الله است و هدف ثانوی آن نیل به سعادت در دنیا و آخرت	تأکید بیش‌تر بر عقل برای تحقق هدف	تأکید بیش‌تر بر تهذیب اخلاق برای تحقق هدف
انسان در آرمان‌شهر	رسیدن انسان کامل به مثابه خلیفه الله	- شروع حرکت در مسیر تهذیب از طرف جامعه است. - فرد صرفاً در زیر سایه مرشد کامل قابلیت رشد و سلوک می‌یابد.	- شروع حرکت در مسیر تهذیب از سوی انسان است. - انسان یک عنصر اصیل محسوب می‌شود که قابلیت سیر تا بی‌نهایت و رسیدن به مقام خلیفه اللهی را دارد.
روابط اجتماعی	روابط اجتماعی همانند اعضای بدن	- توسعه فرد در اجتماع	- توسعه فردی لازمه توسعه اجتماعی
قانون آرمان‌شهر	قانون الهی و بر مبنای شرع تعیین می‌شود.	منبع قانون صرفاً الهی است.	- توجه به عقل جمعی در کنار قانون الهی - در کنار قانون، نیاز به اخلاق نیز
سیاست و رهبری آرمان‌شهر	- مشروعیت حکومت و نظام سیاسی مدینه فاضله در هر دو تفکر از آن خداست. - هر دو بر اصول نبوت و امامت تأکید دارند.	پس از امام فقیه رهبری جامعه را بر عهده دارد.	- ایشان معتقدند که رهبری جامعه از آن حضرت ولی عصر (عج) است. - در زمان غیبت کسی می‌تواند رهبر جامعه باشد که شایستگی خلیفه‌اللهی را داشته باشد و او را ولی فقیه می‌نامند.
مشارکت شهروندان	تأکید بر مشارکت و همکاری شهروندان در شکل‌دهی و استقرار آرمان‌شهر در جهت قوانین الهی	---	-
عدالت در آرمان‌شهر	- عدالت به معنای مساوات اجتماعی نیست - عدالت، توزیع فرصت‌ها و امکانات برای به فعلیت رساندن استعدادها بالقوه انسان‌ها در جهت حرکت به سمت قرب الهی است.	- تأکید بیش‌تر بر عدالت اجتماعی، - عدالت موجب جاری شدن قانون در جامعه می‌شود.	تأکید بیش‌تر بر عدالت فردی: عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی است.
اقتصاد در آرمان‌شهر	- عدم تأکید بر معیشت یا فعالیت خاص در آرمان‌شهر - کار و معیشت با هدف رسیدن به سعادت (قرب الهی) نه مال‌اندوزی	-	نیاز به رشد صنعتی را مد نظر قرار داده است.
نگاه به طبیعت	تأکید بر حفظ محیط زیست و تعادل‌های محیط‌زیستی	-	-
ابعاد کالبدی آرمان‌شهر	عدم تأکید بر جنبه‌های محسوس و کالبدی آرمان‌شهر	-	- شکل‌گیری بر اساس شرایط زمانی و مکانی و تأمین اهداف مورد نظر اسلام - تأکید بر معماری و شهرسازی بومی و زمینه‌گرا و توجه به استحکام و عدم اشراف بناها
ویژگی‌های زمانه	هر دو اندیشه‌مند اثرات قابل توجهی از جامعه خود پذیرفته‌اند.	اثرپذیری از تفکر جامعه‌گرایی اندیشه‌مندان پیشین	- اثرپذیری از تفکر فردگرایی اندیشه‌مندان معاصر - اثرپذیری از جریان‌های بین‌المللی سیاسی و نگرش به حقوق انسانی - اثرپذیری از پیشرفت‌های فنی و علمی جهانی

مقابل، جوادی آملی به عنوان یک عارف و فیلسوف متأخر تحت تأثیر جریان‌های معاصر است. یک سوی ماجرا را شاید بتوان در عنصر فردگرایی ناشی از مدرنیته جستجو کرد. فردگرایی و انسان‌محوری نضج گرفته از قرن پانزدهم میلادی به تدریج کل دنیا را تغییر داده و در آرای فلاسفه ما نیز جای باز کرده است. فردگرایی مدرن جهت‌گیری تفکر را تغییر داده و رویکرد از پایین به بالا را استوار ساخته است. نکته دیگر این است که فلسفه معاصر اسلامی

که جریان قالب آن جامعه‌محوری بوده است و اساساً فلسفه آن دوران بر اصالت جامعه مبتنی بوده است. در این قالب است که فرد صرفاً در قالب قوم، ایل، طایفه یا با دین و مذهب و حتی نژاد خود تعریف می‌شود. ریشه‌های اساسی این دیدگاه را باید در آرای فلاسفه یونان باستان جستجو کرد که بر فلاسفه متقدم اسلامی اثر شگرفی داشته است. در این دیدگاه است که طبق آرای ارسطو و افلاطون بر محوریت جامعه تأکید شده است. در

بسیار تحت تأثیر عارفان مسلمان بوده است. جریان‌ی که می‌توان ریشه‌های آن را از دیدگاه‌های ملاحدهای سبزواری و... جستجو کرد. در این دیدگاه، فردمحوری (در مفهوم غیر مدرن آن)، خودسازی و تهذیب نفس بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. این دیدگاه در آرای کسانی چون امام خمینی و علامه جعفری نیز قابل پیگیری است که نتایج آن را می‌توان در آرای آیت‌الله جوادی آملی به عنوان یکی از شاگردان ایشان جستجو کرد. در این دیدگاه طبق آیه شریفه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»، فرد معادل جامعه دانسته شده است. این موضوع که در قبال فرد و اجتماع، و وحدت و کثرت مطرح شده از ارکان تفکر شیعی است که هر دو متفکر مورد بررسی نیز به آن قابل هستند. با این حال، تفاوت در دیدگاه‌های فوق را می‌توان ناشی از این امر دانست که ملاصدرا از طریق فلسفه و آیت‌الله جوادی آملی از طریق عرفان، جوامع آرمانی خود را معرفی می‌کنند.

آیت‌الله جوادی آملی به عنوان اندیشمندی مسلمان، نه تنها با تکیه بر مکتب جامع اسلام، به نمایاندن آرمان‌شهر موعود اسلام می‌پردازد که آرمان‌شهر مهدوی نام دارد، بلکه به تبیین مدل حکومت اسلامی در عصر غیبت نیز همت می‌گمارد. بررسی نکات کلیدی آرای آرمان‌شهرگرایی در آثار ایشان نشان می‌دهد:

۱. آرمان‌شهری که معرفی می‌کنند از این جهت که تحقق‌پذیر است، مدینه فاضله است و نه ناکجاآباد.
  ۲. این مدینه فاضله ساختنی است و نه یافتنی.
  ۳. این مدینه فاضله هدف ثانوی بشر محسوب می‌شود.
  ۴. تحقق آن در سطح جامعه در گرو تحقق مدینه فاضله در سطح تک تک افراد جامعه و یا پیروی آگاهانه از افرادی کامل و فاضل است که تجلی مقام خلیفه‌اللهی باشند.
- ایشان برخلاف ملاصدرا در آرمان‌شهر خود چارچوب‌ها و حدود اصلی را مشخص می‌کند و تا زمانی که به اصول خدشه وارد نشود، حدود ثابت و یگانه‌ای برای جزئیات و فروع قائل نمی‌شود و اجازه تنوع، تعدد و آزادی را در قالب چارچوبی کلی به اجزای ساختاری دین، آداب و رسوم و از جمله مدینه فاضله می‌دهد.

با این تفاسیر می‌توان چارچوب آرمان‌شهر شیعی را این گونه از افکار این دو بزرگ اندیشه شیعه استخراج کرد: آمانشهر شیعی، «ویژگی‌های فیزیکی مشخصی ندارد»؛ گویی هر جایی و با هر مشخصات فیزیکی می‌تواند آرمان‌شهر شیعی باشد. از چنین گزاره‌ای می‌توان استنباط نمود که آرمان‌شهر شیعی سیری انفسی است و با جغرافیای مکانی و زمانی نسبتی ندارد. ملاصدرا بر اساس آنچه سهروردی ساحات وجود انسان می‌خواند، حس، خیال، عقل، دل و جان را به عنوان مراتب وجودی انسان قلمداد می‌کند و از این دیدگاه، به نظر می‌رسد «آرمان‌شهر شیعی»، از نگاه متفکرین مورد بررسی عمدتاً در مرتبه دل و جان قرار می‌گیرد و

مرتبه‌ای تجریدی است که به چشم نمی‌آید. در چنین جایگاهی، خرابه و آبادی تفاوتی ندارد. بنابراین مراد از آرمان‌شهر عمدتاً «جامعه‌ای آرمانی است که اعضایش دل و جان هوشیاری دارند و از هوا و هوس‌های نفسانی گذر کرده‌اند». مورد جامعه آرمانی نیز به نظر می‌رسد اصول اندیشه هر دو اندیشه‌مند همسو باشد. هر دوی آنها بر «جامعه‌ای با اعضای مؤمن، با قانون الهی و بر مبنای روابط اخلاقی تأکید می‌نمایند که رهبری آن بر عهده فردی است که منسوب به خدا و دارای نسبت قرین با اوست». تفاوت‌های این دو اندیشه‌مند، مربوط به «مقتضیات زمانه و عرضی» است؛ به عنوان مثال تأکید آیت‌الله جوادی بر توسعه صنعتی جزء اصول نیست، بلکه اقتضای زمانه است.

اگرچه اسلام و تشیع اصولی فرازمانی و فرامکانی دارد، اما در هر زمان و مکانی جلوه‌ای خاص پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان آرمان‌شهر شیعه را «جامعه‌ای آرمانی تعریف نمود که اصولی واحد، فرازمانی و فرامکانی دارد اما در هر زمانی به مقتضای زمانه، لباسی نو بر تن می‌کند. این جامعه آرمانی در هر مکانی می‌تواند مستقر باشد و محدودیتی و دستورات عملی برای فرم و فضای آن وجود ندارد. گویی آرمان‌شهری شیعه، تعیین تکلیف این مورد را به زمینه واگذار نموده است»

در نتیجه می‌توان گفت آرمان‌شهر شیعی بیش تر به «محتوای آرمان‌شهر» که همان تهذیب فرد و جامعه و روابط آن‌هاست می‌پردازد و قالب کالبدی را به کناری می‌نهد. در واقع، آرمان‌شهر شیعی، در بُعد وجودی مطرح است و جغرافیا و تاریخ مشخصی ندارد؛ بلکه در همه مکان‌ها و زمان‌ها به شرط تهذیب اخلاقی «فرد و جامعه» قابل حصول است. تنها تفاوت در نگاه فلسفی ملاصدرا و نگاه عرفانی آیت‌الله جوادی آملی نیز در نقطه آغاز حرکت است که اولی آن را از جامعه و نهادهای اجتماعی آن بویژه رهبر و ولی آن می‌داند و دومی آن را از تهذیب و تزکیه فردی. به بیان دیگر می‌توان گفت آرمان‌شهر شیعی، جامعه‌ای آرمانی را به تصویر می‌کشد که با تهذیب نفس و بر مبنای روابط و قانون الهی در چارچوب اصول دین زندگی می‌کنند و مکان و زمان آن را محدود نمی‌سازد.

در نهایت می‌توان گفت که مبنای آرمان‌شهر شیعی بر اساس جهان‌بینی توحیدی و خدامحوری پایه‌گذاری شده و هدف نهایی آن سوق دادن انسان به مقام خلیفه‌اللهی است. این جامعه آرمانی دارای سه رکن اصلی انسان‌های مؤمن (که سعی در رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی دارند) به عنوان اعضای جامعه، ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه و قوانین شرع اسلام به عنوان تنظیم‌کننده روابط جامعه است. سایر صفات و ویژگی‌های آرمان‌شهر شیعی به شرح زیر است:

- قابلیت تحقق‌پذیری و ساخته شدن توسط انسان‌های مؤمن،
- توجه به معاد و مسافر بودن انسان در جهان مادی و عدم اهتمام به مادیات به عنوان امر اصیل،

- بی‌زمان و بی‌مکان بودن آرمان‌شهر،

- تأکید بر سلامت اخلاقی و ایمانی جامعه به جای ملزومات کالبدی و فضایی،

- توجه به تهذیب نفس در آرمان‌شهر شیعی که مستلزم پرهیزگاری و آخرت‌گرایی است،

- توزیع فرصت‌ها و امکانات برای به فعلیت رساندن استعدادها بالقوه انسان‌ها در جهت حرکت به سمت قرب الهی،

- تأکید بر مشارکت و همکاری شهروندان در شکل‌دهی و استقرار آرمان‌شهر در راستای قوانین الهی،

- تأکید بر حفظ محیط زیست و تعادل‌های محیط‌زیستی،

- عدم ضرورت پرداختن به ویژگی‌های فیزیکی و فرمی خاص برای آرمان‌شهر شیعی و تأکید بر معماری و شهرسازی بومی و زمینه‌گرا (رعایت فرهنگ بومی، شرایط سرزمینی، وضعیت اقتصادی، فناوری‌های در دسترس و سایر شرایط زمانی و مکانی) در توافق با اصول و معیارهای دینی.

از آن‌جا که آرمان‌شهر همواره جهت ایده‌آلی پدیدار شده است، می‌تواند مسیر حرکت به سمت صلاح و بهبودی را مشخص کند. بنابراین شناسایی و کشف مؤلفه‌های آرمان‌شهر شیعی از میان اندیشه‌های بزرگان تشیع، می‌تواند مسیر مستقیم حرکت جامعه به سمت سعادت و روشن‌نماید. بر اساس نتایج به دست آمده در مقاله می‌توان گفت که در پرداختن به شهرسازی اسلامی، آنچه که بیش از مؤلفه‌های کالبدی و فیزیکی واجد اهمیت است، سلامت اخلاقی و ایمانی جامعه است. جامعه آرمانی شیعی، جامعه‌ای است که در آن ایمان مردم در مرتبه‌ای والا قرار دارد و اخلاق مبنای تمامی تحرکات و فعالیت‌های مردم است؛ جامعه‌ای که در آن ملاحظات و موازین شرعی رعایت می‌شود و شهروندانش در واقع موحدانی هستند که در جهت رضایت الهی در شهر زندگی می‌کنند. به بیان دیگر آرمان‌شهر شیعی، آرمان‌شهری است که زندگی کردن در آن خود به مثابه ثواب است اما لزوماً ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی خاصی ندارد؛ بلکه این ویژگی‌ها مبتنی است بر فرهنگ پایه و جغرافیای محیطی و اقلیمی مکانی که قرار است آرمان‌شهر شیعی باشد. به عنوان مثال آرمان‌شهر شیعی در شمال ایران، به لحاظ ظاهری با آرمان‌شهر شیعی در کویر ایران، تفاوت‌های پایه‌ای خواهند داشت اما به لحاظ ایمانی و اخلاقی، اصولی خاص در هر دو جاری است و آن شرع مقدس است. از این رو پیشنهاد می‌شود، به منظور تشکیل جامعه آرمانی شیعی، به جای پرداختن به اسلوب فیزیکی شهرسازی و یا سبک‌های خاص معماری، در جهت سلامت اخلاقی جامعه، آموزش معارف شیعی و تقویت ایمان مردم از راه‌های سالم و فرهنگی اقدام شود؛ به بیان دیگر دانه معنای را مورد توجه قرار داد تا صورت و ظاهر را.

## فهرست منابع و مراجع

- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱)، **آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی**، چاپ دوم، نشر نی، تهران.
- امامی جمعه، مهدی و گنجور، مهدی (۱۳۹۲)، «عدالت پژوهی در حکمت متعالیه؛ بررسی جایگاه، ابعاد و لوازم وجود شناختی عدالت از منظر ملاصدرا»، **پژوهش‌های هستی‌شناختی**، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان.
- امیدی، مهدی (۱۳۸۹)، «مبانی انسان‌شناختی فلسفه سیاسی متعالیه صدرایی»، **حکومت اسلامی**، شماره ۵۵، بهار.
- امین‌زاده، بهناز و نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱)، «آرمان‌شهر اسلام: شهر عدالت»، **صفحه**، شماره ۳۵، پاییز و زمستان.
- افضلی، عبدالرئوف و لکزایی، نجف (۱۳۹۲)، «ملاصدرا: چیستی، ارکان و ویژگی‌ها»، **علوم سیاسی**، شماره ۶۳، پاییز.
- بیات، بهرام (۱۳۹۳)، «رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی»، **نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان**، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۳)، **مجموعه سخنرانی‌های پیامون ولایت فقیه**، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، **ولایت فقیه؛ ولایت فقه و عدالت**، انتشارات اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، **انتظار بشر از دین**، انتشارات اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، **نسبت دین به دنیا**، جلد دوم، انتشارات اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، **امام مهدی موعود موجود**، انتشارات اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، «معماری اسلامی باید طوری باشد که انسان شرافتمندانه زندگی کند»، **شمس**، شماره ۹۲، بهار.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳-الف)، **مفاتیح الحیاة**، چاپ هفتاد و پنجم، انتشارات اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳-ب)، **فلسفه حقوق بشر**، چاپ هفتم، انتشارات اسراء، قم.
- سلطانی زبانی، مهدی (۱۳۸۶)، «مؤلفه‌های قرآنی اتحاد ملی و انسجام اسلامی در آرمان‌شهر مهدوی»، **انتظار موعود**، شماره ۲۳، زمستان.
- شوی، فرانسواز (۱۳۹۵)، **شهرسازی؛ تخیلات و واقعیات**، ترجمه محسن حبیبی، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- عبدیایی، نرجس (۱۳۸۸)، «ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، **انتظار موعود**، شماره ۳۰، پاییز.
- علی‌آبادی، محمد (۱۳۸۲)، «شهر خداوند تصویرری از ساختار معنایی آرمان‌شهر اسلامی»، **مدرسه هنر**، دوره اول، شماره ۳، بهار.
- علی‌وحیدی، حمزه (۱۳۸۲)، «علل انحطاط مسلمانان؛ مقایسه دیدگاه‌های شهید مطهری و شیخ محمد عبده»، **معرفت**، شماره ۶۸، تابستان.
- مصطفی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۱)، «ارزش ذاتی طبیعت در نگاه صدرالمتألهین شیرازی»، **حکمت اسراء**، شماره ۱۲، پاییز و زمستان.
- مطلبی، مسعود و نادری، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی مفهوم آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب»، **مطالعات سیاسی**، دوره دوم، شماره ۶، زمستان.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی (۱۳۶۶)، **شرح اصول کافی**، انتشارات مؤسسه تحقیقات فرهنگی، تهران.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی (۱۳۸۳)، **الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه**، ویرایش محمد خامنه‌ای و غلامرضا اعوانی، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران.

۲۴. میراحمدی، منصور (۱۳۹۰)، «مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی»، *حکمت اسراء*، شماره ۷، بهار و تابستان.
۲۵. میرمحمدی، سید سعید (۱۳۹۳)، *آرمان‌شهر و حکومت جهانی امام مهدی (عج) از منظر حقوق اساسی*، چاپ اول، انتشارات آرتا، تهران.
۲۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵)، *نظریه فضای حیات طیبه؛ شهر آرمانی اسلام*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۲۷. هاشمی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *زندگی و شرح حال علمی و فکری معلم ثانی ابونصر فارابی*، چاپ اول، انتشارات شریفی، تهران.

Archive of SID

# Explanation of Shiiaian utopia in the opinion of Mulla Sadra and Ayatollah Javadi Amoli

**Samira Mahmoodi \***

Assistant Professor of Geography and Rural Planning, University of Guilan

\* *smahmoodi@guilan.ac.ir*

**Bahman Ahmadi**

PhD Student in Urban Palnning, University of Tehran

**Nazanin Mohammadi**

MS of Regional Planning, University of Shahid Beheshti

**Mehrdad Rahmani**

PhD Student in Urban Palnning, University of Tehran

**Mahdi Bornafar**

PhD Student in Urban Palnning, University of Tehran

## Abstract:

Shiiaian Utopia is one of the issues have been raised against certain ideologies both in the past and recent centuries in the world. Given the dominance of Shiism in Iran, a clear image of Shiiaian Utopia will be an appropriate base point for social and urban policy-making. The diverse range of Shiiaian scholars have offered various opinions on the Shiiaian Utopia. Based on the differences of those opinions, it can be categories to two groups: Modernist and traditional religious thinkers. Both of two groups interprets the religion based on them assumption. However, it seems that trying to explanation of this various opinion and consensus building between them is a significant contribution to Shiiaian Utopia. In this context, the present article is based on traditional approach to Shiia have tried to explain desirable utopia rely on the views of two Shiiaian leaders, Mulla Sadra and Ayatollah Javadi Amoli with diachronic approach. Two aims of this research are to explain what the Shiiaian Utopia is and to understand what relation is between Shiiaian Utopia, time, and place. The results show that the opinion of both thinkers about desirable utopia is that utopia is the means of nearness to god and substitutionary of man on the earth that is achievable under the leadership of innocent imam and in case of impossibility under the leadership of religious authority (Vali-Faghih). However, the opinion of Mulla Sadra is society-oriented but the opinion of Ayatollah Javadi Amoli is man-oriented and it seems this difference is due to condition of era that thinkers live. With scrutiny in the comments of both, it is clear that in traditional view of religion, Shiiaian Utopia is regardless to time and place and is the matter of existence. Therefore, it could be said that physical aspects of Shiiaian Utopia deposit to context and condition of time.

**Keywords:** Utopia, Mulla Sadra, Ayatollah Javadi Amoli, traditional approach.